

معلم خانواده می دوم

انیس خوش لهجه

مجله علمی و ادبی



در زمینه‌ی خانواده درمانی معتقد است، نظام خانواده، نظامی طبیعی و عاطفی است و هر عضو خانواده یک نظام عاطفی مجزا را تشکیل می‌دهد. همین عاطفه است که عملکرد خانواده را راه‌اندازی می‌کند. وی معتقد است، این نظام عاطفی فرایندی خودتنظیم شده نیست، بلکه عمدتاً در چارچوب روابط و مناسبات با دیگران و محیط اطراف بروز می‌یابد.

به جرئت می‌توان گفت، بحث خانواده یکی از مهم‌ترین مباحث در هر جامعه‌ی سالم امروزی است. مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر دولت و جامعه‌ای، اساس کار تلقی می‌شود و هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌های خود به سراغ خانواده می‌رود تا از درون آن شهروندانی سالم و موفق برای آینده‌ی خود تربیت کند. **بوون** از نظریه‌پردازان مطرح

دانشگاه
ایران

شماره ۳ آذر ۸۹
دوره ۱۶

شاید بتوان گفت که ارتباط یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال عالی‌ترین دستاوردهای بشر بوده است و در گذشته، برای انسان اولیه، علاوه بر کارکردهایی در جهت حفظ حیات و یاری گرفتن از دیگران، زمینه‌ساز فعالیت‌های اجتماعی و سرآغاز زندگی اجتماعی بوده است. ارتباط معمولاً میان دو یا چند نفر اتفاق می‌افتد. ما همه در طول روز به شیوه‌های متفاوت کلامی و غیرکلامی همچون حالت کلی بدن و حالت چهره، با افراد متعددی ارتباط برقرار می‌کنیم. اولین رابطه‌ای که نوع انسان برقرار می‌کند، در بستر خانواده و با اعضای آن است. **بندورا** در نظریه‌ی شناختی اجتماعی خود مطرح می‌سازد که تمامی رفتارها، به جز بازتاب‌های اولیه در زندگی فرد، آموختنی و اکتسابی هستند. او معتقد است، یادگیری اجتماعی از طریق مدل‌سازی و تقلید رفتارهای دیگران به ویژه والدین صورت می‌پذیرد. محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که بر شخصیت فرد اثر می‌گذارد. وضع اقتصادی، افکار و عقاید، آداب و رسوم، آرزوها، سطح تحصیلات والدین، سن آن‌ها و همچنین شکل خانواده، الگوی رفتار عاطفی و هیجانی والدین با یکدیگر، از قبیل میزان تفرّد، استقلال و یا وابستگی روانی والدین نسبت به یکدیگر، همچنین میزان ابراز وجود و مهارت‌های حل مسئله‌ی آن‌ها و در مجموع جو کلی حاکم بر خانواده، بر شخصیت و رفتارهای فردی و اجتماعی کودکان و شکل‌گیری شخصیت آنان اثرگذار است. موضوع یادگیری و آموزش‌پذیری، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث در جو خانواده است، جالب آن‌که پایه‌های رفتار و پدیده‌ی شخصیت انسان، از یادگیری مستقیم و غیرمستقیم سرچشمه می‌گیرد. زندگی در هر مرحله از رشد و تحول، مستلزم فراگیری است. بنابراین، توجه به فرایند یادگیری و عوامل مؤثر در آن، امری بدیهی و اجتناب‌ناپذیر است.

روان‌شناسان معتقدند، شیوه‌ی رابطه‌ی والدین، از سال‌های اولیه‌ی زندگی در شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر است. یادگیری‌های کودک از سال‌های اولیه براساس قانون‌های شرطی شدن کلاسیک و عاملی و یادگیری مشاهده‌ای صورت می‌گیرد. نوع توجه به کودک، شیوه‌ی تنبیه و تشویق و میزان و شدت آن‌ها، نحوه‌ی دستور دادن و وضع قوانین در فضای حاکم بر خانواده، سهم بسزایی در شخصیت کودک در بزرگسالی خواهد داشت.

راجرز معتقد است، توجه مثبت بدون قید و شرط، پایه‌گذار شخصیت مطلوب و سالم در فرد خواهد بود. بدون اعتقاد دارد بیماری عاطفی زمانی ایجاد می‌شود که کودکان به شکل صحیح قادر به مجزاسازی خود از خانواده

نباشند و وابستگی مفرط با خانواده داشته باشند. جو شدید عاطفی و ماندن در آن، می‌تواند برخلاف آن‌چه به نظر می‌رسد، مخرب باشد. از این‌رو می‌توان دریافت، میزان توجه و نحوه‌ی ارائه‌ی آن و بسیاری از موضوع‌های دیگر از جمله سلامت روان خود والدین، تأثیر بسزایی در ذهن و روان کودکان دارد.

جامعه‌ی دومی که کودکان پا به آن می‌گذارند، البته با شخصیتی نیمه شکل یافته، فضای مدرسه و درس و تحصیل است و معلمان خانواده‌ی دوم کودک محسوب می‌شوند. آن‌ها نیز در تثبیت خصوصیات کسب شده‌ی کودکان از بستر خانواده بسیار اثرگذارند. این موضوع نیز خود درخور توجه است. آشنایی با اصول و قوانین یادگیری در آموزش مهارت‌های شناختی، ارزش‌های اخلاقی و ایجاد عادات مطلوب تربیتی، شرط اساسی موفقیت اولیا و مربیان است. روزهای ابتدایی مدرسه و ورود به آن، اهمیت و ارزشمندی خاصی دارد. ایجاد نگرش‌های مثبت و پویا در دانش‌آموزان، تقویت انگیزه‌ی تلاش و تحصیل، کاهش دغدغه، اضطراب و تردید، زدودن آثار هرگونه نگرانی، بدبینی و سوءظن احتمالی نسبت به مدرسه، کلاس و معلم و سرانجام آشنایی با خصیصه‌های شخصیتی، بازخوردها و دیدگاه‌های بچه‌ها نسبت به وضع موجود و شرایط مطلوب، می‌تواند در روزهای آغازین مدرسه صورت گیرد. بدون تردید، چگونگی ویژگی‌های زیستی، ذهنی، عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان، در تکوین شخصیت، قدرت یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان بیشترین تأثیر را دارد. بنابراین، از مهم‌ترین مسئولیت‌ها و رسالت‌های اخیر اولیا و مربیان، توجه به این ویژگی‌ها و تفاوت‌های فردی است. اطمینان یافتن از سلامت عمومی شاگردان، توان آن‌ها از نظر جسمی و حرکتی، ظرفیت ذهنی، انگیزش و برانگیختگی روانی، همچنین میزان تشویق و تنبیه ارائه شده، و نوع و شدت آن حائز اهمیت است. همچنین برقراری رابطه‌ی نزدیک‌تر و مؤثرتر با بستر خانواده‌ی این گل‌های نوظهور که مسیر کمال را می‌پیمایند و هماهنگی و همسانی با آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز بروز و ظهور فرزندان شایسته و جامعه‌ای ایده‌آل خواهد بود.

منابع

۱. افروز، غلامعلی، روان‌شناسی تربیتی کاربردی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۴.
۲. گلدنبرگ، ایرینه. خانواده درمانی. ترجمه‌ی فرشاد بهاری و همکاران. نشر روان. تهران. ۱۳۸۷.
۳. عربگل، فریبا. فرزندپروری. نشر قطره. تهران. ۱۳۸۷.
۴. فرگوسن، شری و مازین، لارنس ای. قدرت والدین. ترجمه‌ی پارسا ن. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۴.

معلمان خانواده‌ی دوم کودک محسوب می‌شوند. آن‌ها نیز در تثبیت خصوصیات کسب شده‌ی کودکان از بستر خانواده بسیار اثرگذارند